

## مردم افغانستان

دوکتور نوراحمد خالدی

### تعداد نفوس

اداره مرکزی احصایه مسول جمع آوری و نشر احصایه های نفوس در افغانستان میباشد. بر همین اساس این اداره همه ساله احصایه های نفوس مسکون کشور را به تفکیک ولایات، ولسوالیها، نواحی، شهری و دهاتی و جنس (ذکور و اناث) نشر میکند. تمام تخمینهای سالانه نفوس افغانستان در طی ۳۶ سال گذشته، که مورد استفاده دولت و موسسات میباشد همه عمدتاً بر پایه نتایج اولین سرشماری نفوس کشور سال ۱۳۵۸، فهرست برداری خانوارها در سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۵ و بعضی سرویها، و تخمینهای محلی بعدی نفوس استوار اند.

اخیراً اداره مرکزی احصایه نفوس سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸/۲۰۱۷م) کشور را حدود 6, 31 میلیون نفر برآورد کرد 8,4 فیصد را نفوس کوچی تشکیل میدهند. در رابطه با نفوس کوچی باید متذکر شد که از سال 1358 تا حال نفوس کوچی نسبت عدم موجودیت معلومات دقیق 1,5 میلیون نفر در نظر گرفته شده است." (وبسایت اداره مرکزی احصایه، احصایه نفوس)

بعضیها میگویند دولتهای افغانستان سرشماریهای نفوس را انجام نمیدهند چون مقامات نمیخواستند نفوس اقوام کشور معلوم گردد. این برداشت نادرستی است. منظور اولی از اجرای سرشماری معلوم کردن نفوس اقوام نیست. در هیچ قانون اساسی کشور در هیچ زمانی اقوام کشور دارای امتیازات خاصی نبوده اند تا دانستن تعداد هر قوم برای پالیسیهای دولتها اهمیت خاصی داشته باشد. همه مردم افغانستان در برابر قانون حقوق، امتیازات و مسولیتهای مساوی دارند.

عملیات سرشماری از مقدمات تا اجرا، پراسس ارقام، تحلیل و ارزیابی و نشر نتایج بسیار پر مصرف، زمانگیر، تخیلی، مسلکی میباشد. از این لحاظ در اکثر کشورهای جهان سرشماریها هر ده سال یکبار تکرار میگردد. تنها چند کشور محدود سرشماریها را هر پنج سال انجام میدهند. بطور مثال باآنکه آسترالیا در هر پنج سال سرشماری میکند، با آنهم از سه سال به اینطرف مقدمات سرشماری ماه آگست سال جاری 2016 آن جریان دارد و نشر نتایج کامل آن سه سال بعدی را در بر خواهد گرفت.

اولین و آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۳۵۸ (1979م) به کمک ملل متحد در افغانستان انجام شد. برخلاف گفته های بعضیها (از جمله امین فرهنگ وزیر اقتصاد در سال 2004) این سرشماری یک عمل نمایشی نبوده بلکه تهیه مقدمات آن سه سال را در بر گرفت بشمول نقشه کشی تمام دهات و شهرهای کشور، نمبر گذاری تمام دروازه ها و فهرست کردن تمام خانوارها در عقب این دروازه ها و فهرست برداری خیمه های کوچیها و تثبیت مسیر حرکت آنها.

اصل سرشماری بیست روز را در سال ۱۳۵۸ در بر گرفت و بیش از دو ملیون پرسشنامه خانوارها را بیش از ده هزار سرشماران با انجام مصاحبه با بزرگان هر خانوار در تمام مناطق امن کشور تکمیل کردند. در مناطق صعب العبور کوهستانی و محلات بسیار نا امن، معمولاً دور افتاده، سرشماری انجام نشد. بر همین اساس چون کوچیها معمولاً در همچو مناطق زندگی میکنند، احتوای کامل نشدند. اما برای تخمین نفوس این مناطق از فهرستهای خانوارها که در مراحل مقدماتی سرشماری تکمیل شده بودند و میزان رشد نفوس استفاده شد.

متعاقبا معلومات شامل پرسشنامه ها ادخال کمپیوتری شده و بعد از پراسس تمام پرسشنامه ها، نتایج مقدماتی آن در سال 1980 م و نتایج نهایی در سال 1983 از طرف اداره مرکزی احصاییه، وقتی که من مدیر عمومی سرشماری نفوس و سرویهای دموگرافیکی بودم نشر گردیدند .

از سال ۱۳۵۸ به اینطرف سرشماری تازه در کشور انجام نیافته است. با وجودیکه بعد از کنفرانس بن و ایجاد دولت جمهوری اسلامی در سال 2001م تطبیق پروژه سرشماری در دستور کار دولت جدید قرار گرفته و برای تطبیق آن اقدامات جدی و گسترده به کمک صندوق نفوس ملل متحد از طرف اداره مرکزی احصاییه انجام پذیرفت، اما بنابر وخامت اوضاع امنیتی تا امروز دولتها قادر به انجام این پروژه نشده اند. هر کودکی میداند برای سرشماری موجودیت امنیت اهمیت درجه اول دارد. کدام رهبر سیاسی میتواند جان بیش از سی هزار سرشمار (معمولا معلمین مکاتب) را به خطر انداخته آنها را به دهات و قریه جات اعزام کند؟ حتی در سال ۱۳۵۸ که به مقایسه سالهای اخیر امنیت نسبی در کشور موجود بود تعدادی از کارمندان اداره مرکزی احصاییه جانهای خود را از دست دادند.

واقعیت این است که سیاستمداران ما، طوریکه نتایج انتخابات سال 2014 نشان داد، توان پذیرش و هضم نتایج سرشماریها و انتخابات را ندارد. بطور مثال دولتهای مجاهدین و دولت جمهوری اسلامی بعد از کنفرانس بن در نشرات خود از روی تعصب سیاسی یا از انجام سرشماری نفوس سال ۱۳۵۸ که در زمان حفیظ اله امین اجرا شد انکار میکنند، یا نادیده میگیرند و یا آنرا کم اهمیت جلوه میدهند. حتی سرپرست موجوده اداره مرکزی احصاییه یا از روی نادانی یا از روی اجبار و تعصب سیاسی میگوید سرشماری در سال ۱۳۵۸ شروع شد اما تکمیل نگردید! در حالیکه میدانیم سرشماری مذکور با مصرف ملیونها دالر از شروع کارهای مقدماتی کارتوگرافیکی، نمبر زدن دروازه ها و فهرست برداری خانوارها تا اجرای عملیات ساحه، پراسس ارقام کمپیوتری، تحلیل و ارزیابی نتایج، تهیه راپورها و تکمیل و نشر ارقام در حدود پنج سال را در بر گرفته و تکمیل گردید .

خوشبختانه در نتایج نشر شده سرشماری مذکور چیزی وجود ندارد تا صحت ارقام آنرا بنابر ملحوظات قومی، زبانی و سیاسی خدشه دار سازد. جالب این است که، با وجود کم بها دادن به سرشماری سال ۱۳۵۸،

طوریکه نتایج انتخابات سال 2014 نشان داد، سیاستمداران ما توان پذیرش و هضم ارقام و اعداد بدست آمده از نفوس کشور را از نتیجه عملیات ساحه که مطابق به برداشتهای خاص خودشان نباشد، ندارند. از این لحاظ نباید در سرشماری آینده از قوم و ملیت مردم سوال کرد. با اطمینان میتوانم بگویم که اگر دولت موفق به اجرای یک سرشماری نفوس در آینده گردد و از مردم در مورد قومیت آنها سوال گردد کسانیکه خود را در اقلیت مییابند نتایج سرشماری را قبول نخواهند کرد و با تحت سوال بردن نتایج یک سوال، تمام نتایج سرشماری مورد سوال قرار خواهد گرفت .

افغانستان توان آنرا ندارد تا با شمول کردن سوال قومیت تمام نتایج یک سرشماری خود را مورد سوال قرار داده مصارف گزاف آنرا به هدر دهد. برای دانستن احصاییه های نفوس بر اساس قومیت راههای دیگری موجود است که ارقام سرشماری های نفوس میتوانند امکانات آنرا میسر سازند .

### **افغانستان چهارراه مدنیت ها**

در این شکی نیست که افغانستان باحدود اربعهء فعلی خود در حقیقت چهارراه مدنیت های کهن بود. راه ابریشم از همین سرزمین ها گذشته، راههای تجارت از هند به شرق میانه از اینجا گذشته، سرزمینهای آسیای میانه، آریانیای کهن که افغانستان جز آن است لشکر کشیهای جهانگشایان زیادی را متحمل شده است. هخامنشیهای فارس چند هزار سال قبل این

سرزمینها را اشغال کردند و حتی تا مصر و ترکیه امروزی حکومت کردند. متعاقباً اسکندر یونانی بالای این سرزمینها حمله میکند و امپراطوری سیلوسید را ایجاد کرده دولت گریکو-باختری را در شمال افغانستان امروزی ایجاد میکنند. به تعقیب آنها هونهای سفید یفتلیها و امپراطوری گوپتای هند و کوشانیها مدنیت‌های بزرگ هندو و بودایی را ایجاد کردند که آثار آنها در بامیان، کاپیسا، هده و لوگر وجود دارد. متعاقباً ساسانیهای فارس این سرزمینها را اشغال میکنند. در حدود یکهزار و چارصد سال قبل اعراب به این سرزمینها حمله میکنند و تمدن اسلامی را در این سرزمینها گسترش میدهند. به تعقیب اعراب ترک‌تبارهای سلجوقی و خوارزمشاهی و غزنوی این مناطق را مورد تاخت و تاز قرار میدهند. غوریها جهانگشایان بعدی هستند که همزمان با خوارزمشاهیان بالای این سرزمینها اثر میگذارند که به تعقیب آنها مغولها به این سرزمینها سرازیر شده و به تاراج میپردازند. تیموریها و بابرهای صفویها آخرین جهانگشایان در کشور ما بودند.

بنابر آن این سرزمینها مدنیت‌های زیادی تجربه کرده که کاوشهای باستانشناسی آثار آنها را در دسترس ما قرار میدهد. مهاجرت‌هایی هم صورت گرفته و در این مورد تیوریهایی به ارتباط مهاجرت آریاییها از شمال قفقاز، از یوکرین و سایبیریا به جنوب بطرف سرزمینهای ما موجود است. تمام این لشکرکشیها، مدنیتها و مهاجرت‌ها بالای ساختمان نفوس این مناطق ناگذیر اثر گذاشته اند.

مطالعات بسیار دقیق ژنتیکی نفوس افغانستان توسط دانشمندان پوهنتون پورت سموث انگلستان بالای اقوام افغانستان در سالهای اخیر انجام یافته و نتایج آن در یک مقاله تحلیلی درج‌ریده پلوس وان بتاريخ هشتم مارچ سال ۲۰۱۲م، به نشر رسیده نشان میدهد که ساختمان ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت‌های بسیار زیاد باهم داشته و همچنان نشان میدهد که اقوام پشتون و تاجک افغانستان از لحاظ ژنتیک با نفوسهای اقوام شمال و غرب هند بسیار نزدیکتر اند تا اقوام شمال قفقاز، اروپا و ایران امروزی.

این مطالعه برای اولین بار تنوع کروموزمهای Y «ی» را میان بزرگترین اقوام افغانستان مورد بررسی قرار میدهد. در این مقاله ساختمان ژنتیکی افغانهای مدرن مورد بررسی قرار گرفته و تنوع ترکیب ژنتیکی آنها در ارتباط با وقایع شناخته شده تاریخی و حرکات نفوس‌های همسایه‌ها ارزیابی شده است.

مقایسه ساختمان ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت‌های بسیار زیاد آنها را نشان داده و همچنان نشان میدهد که اقوام پشتون و تاجک افغانستان از لحاظ ژنتیک با نفوسهای اقوام شمال و غرب هند بسیار نزدیکتر اند تا اقوام شمال قفقاز، اروپا و ایران امروزی. این نتیجه میرساند که تیوری قبلی مهاجرت آریاییها از شمال قفقاز به افغانستان امروزی و از آنجا به هندوستان نادرست میباشد. این مطالعات برعکس قضیه را ثابت میکند به این معنی که اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت‌های بیشتر با مردم شمال هند دارند تا همسایه‌های آنها در غرب و شمال قفقاز.

این مطالعات ارتباط بسیار قوی ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان را با اقوام شمال و غرب هندوستان ثابت نموده نشان داد که یک ساختمان خاص نفوسی هند و افغان وجود دارد که از یک‌ها و هزاره‌ها در آن شامل نیستند. همچنان معلوم میشود که پروسه جریان ژن از هندوستان به افغانستان صرف مربوط به اقوام پشتون و تاجک افغانستان بوده و حد اقل از زمان ایجاد اولین مدنیت‌های بشری در منطقه یا تمدن وادی سند و تمدن باختر-مارجینیا (تمدن اطراف دریای آمو و دریای مرغاب) برقرار بوده است. مطالعات نشان میدهد که باشندگان اولیه ی افغانستان با نفوس شمال و غرب هند، آسیای میانه، ایران و مردم شمال قفقاز تا ختم عصر جمع‌آوری و شکار و شروع زراعت یعنی بین ۱۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل همه دارای اجداد مشترک بودند. با شروع عصر زراعت است که خصوصیات ژنتیکی باشندگان اولیه

سرزمینی که ما افغانستان مینامیم از خصوصیات ژنیتیکی مردمان هندوستان و ایران متمایز میگردند. تکامل و جدایی اقوام و سیستمهای اجتماعی، بخصوص پشتون و تاجک، در افغانستان از عصر تمدن مسی (برونز) یعنی با شروع شهر نشینی پدید میگردد.

مطالعات نشان میدهد که مهاجرتهای تاریخی و لشکر کشیها بالای ساختمان قومی در افغانستان اثرات متفاوت داشته اند. این مطالعات وقوع مهاجرتهای تاریخی و لشکر کشیهای هخامنشیهای فارس و یونانیهای مقدونی، با آنکه اثرات ژنیتیکی محدودی میان اقوام افغانستان و اقوام آسیای میانه بخصوص، فارسها دیده شده اما هیچ ارتباط قابل ملاحظه با مقدونیه و بالکان به مشاهده نرسیده است.

مطالعات همچنان نشان میدهد که لشکر کشیهای اعراب در قرن هفتم میلادی و ادعاهای مهاجرت و سکون گزینی اعراب در این سرزمینها با آنکه از لحاظ فرهنگی تاثیرات عظیمی در منطقه بجا گذاشته است، اما اثرات ژنیتیکی این لشکر کشیها بالای نفوس محلی این مناطق مشاهده نمیگردد.

توزیع جغرافیایی و قومی زبانهای مروج در افغانستان نیز یک پدیده مغلق بوده است. در حالیکه ساختمان ژنتیکی نفوس اقوام هزاره و ازبک را باهم ارتباط میدهد اما این دو قوم از لحاظ زبانی به دو گروه جداگانه مربوط میشوند. زبان مردم هزاره مانند پشتونها و تاجکها وابسته به گروه زبانهای هندوآریایی است در حالیکه زبان ازبکها مربوط به فامیل زبانهای ترکی میباشد. طوری معلوم میشود که زبان ازبکی مروج در افغانستان وارث مستقیم یک زبان ترکی منقرض شده ایست که در قرن پانزده هم میلادی ایجاد شده بود. این در حالی است که جدایی ارتباطات ژنتیکی میان هزاره ها و ازبکها قبل از این زمان بوقوع پیوسته است. این امر نشان میدهد که اختلافات زبانی میان اقوام افغانستان معروف بروز تغییرات فرهنگی در زمانهای متاخر باشند.

طوریکه مبینیم نتایج این مطالعات با آنچه از تاریخ این سرزمینها میدانیم مطابقت دارد. بطور مثال با حمله مغولها و استیلای طولانی آنها و بازماندگان تیموری شان در ماورالنهر، خراسان، سیستان، اراکوزیا، فارس، تخارستان، زابلستان، کابلستان و غیره سرزمینها تغییرات بزرگ فرهنگی و جمعیتی در این سرزمینها بوقوع پیوست و تعداد کثیری از مردمان اقوام مهاجم در این مناطق مسکن گزین شدند که از لحاظ ژنیتیکی با مردمان محل متفاوت بودند. این مهاجرین در مناطق مرکزی کشور در نتیجه اقامت طولانی و آمیزش با مردم محل زبانهای اصلی خود را از دست داده زبانهای محلی را پذیرفتند. با آمدن صفویها، قزلباشها و فارسها هم در این مناطق مسکون شده مذهب شیعه را بین مردم محل شایع کردند.

### ترکیب قومی نفوس

موقعیت افغانستان به مثابه چهار راهی مدنیتها ناگزیر بالای ترکیب قومی نفوس کشور تأثیر نموده است. در افغانستان بیش از شانزده قوم از جمله پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، پشه ای، عرب، قرقیز، ترکمن، بلوچ، قزلباش، بیات، هندو، سیک و غیره زندگی میکنند. هر آنچه ما را به مثابه یک کتلهء مردم از مردم کشورهای همسایه متمایز میسازد مبانی هویت ملی ما هستند. اسم افغانستان، ملیت مردم افغانستان، زبان دری مروج در کشور، زبانهای ملی کشور، ایجاد مملکت افغانستان و دولت افغانستان، گذشتهء تاریخی کشور ما، مبارزات قهرمانانه نیاکان ما برای کسب استقلال سیاسی و ایجاد اولین دولت مستقل بومی در این سرزمین، حفظ استقلال و دفاع از آن در مقابل متجاوزین و گسترش نفوذ و منافع کشور ما در منطقه همه برخی از اجزای هویت ملی ما را میسازند.

نفوس اقوام در کشور هرگز بصورت رسمی از طرف دولتهای افغانستان جمع آوری و نشر نشده است. در سرشماری سال ۱۳۵۸ (اولین و آخرین سرشماری رسمی در افغانستان) با آنکه سوال قوم در آغاز شامل پرسشنامه شده بود اما با آغاز سرشماری دولت تصمیم گرفت برای جلوگیری از اخلاص عملیات سرشماری و جلوگیری از خطر زیر سوال بردن صحت ارقام جمع آوری شده در آینده، سوال مربوط به اقوام افراد را حذف نماید. بنابراین این تصمیم از قوم و ملیت مردم سوال نشد. اما در طول چند صد سال گذشته تخمین هایی در مورد نفوس اقوام کشور توسط مراجع مختلف صورت گرفته است. یکی از راههای تخمین تقریبی نفوس اقوام استفاده از احصایه های نفوس ولسوالیها و تخمین فیصدی ترکیب نفوس مسکون اقوام به تفکیک ولسوالیها بوده که بر اساس آن میتوان نفوس اقوام ولایات و کشور را تخمین نمود. اولین کسیکه برای بار اول به تخمین نفوس اقوام افغانستان دست زد مونت ستوارت الفونستون انگلیسی در سال ۱۸۰۹ بود. موصوف و تیم معینی تحقیقاتی او بر اساس تخمین نفوس مناطق مختلف در فی کیلومتر مربع و ترکیب قومی مناطق مذکور نفوس اقوام تحت حاکمیت دولت افغانستان را در کتاب خود تخمین و درج میکند. (الفونستون، گزارش سلطنت کابل و ملحقات آن در هندوستان، تارتاری و فارس).

hundred to the square mile, was allowed to any large tract except Cashmeer, and sometimes (as in the whole country of the Hazarehs) only eight souls were allowed to the square mile.

The different nations who inhabit the kingdom of Caubul were supposed to contribute to the population in the following proportions :—

Afghauns . . . . .	4,300,000
* Beloches . . . . .	1,000,000
* Tartars of all descriptions.	1,200,000
Persians (including Tadjiks).	1,500,000
Indians (Cashmeerees, Juts, &c.)	5,700,000
Miscellaneous tribes . . . . .	300,000

طوریکه میبینیم ارقام فوق ترکیب قومی نفوس مناطق تحت حاکمیت دولت افغان را در سالهای (1809-1810) هنگام سفر الفونستون و هیات تحقیقاتی و تشریفاتی ۲۰۰ نفره او به افغانستان نشان میدهد. هرگاه با استفاده از این معلومات بکوشیم ترکیب قومی نفوس افغانستان را بر اساس سرحدات بعد از معاهده دیورند و سرحدات سال 1880 تخمین نماییم جدول آتی بدست خواهد آمد:

تخمین نفوس اقوام افغانستان توسط مونتستوارت الفونستون سال 1810م

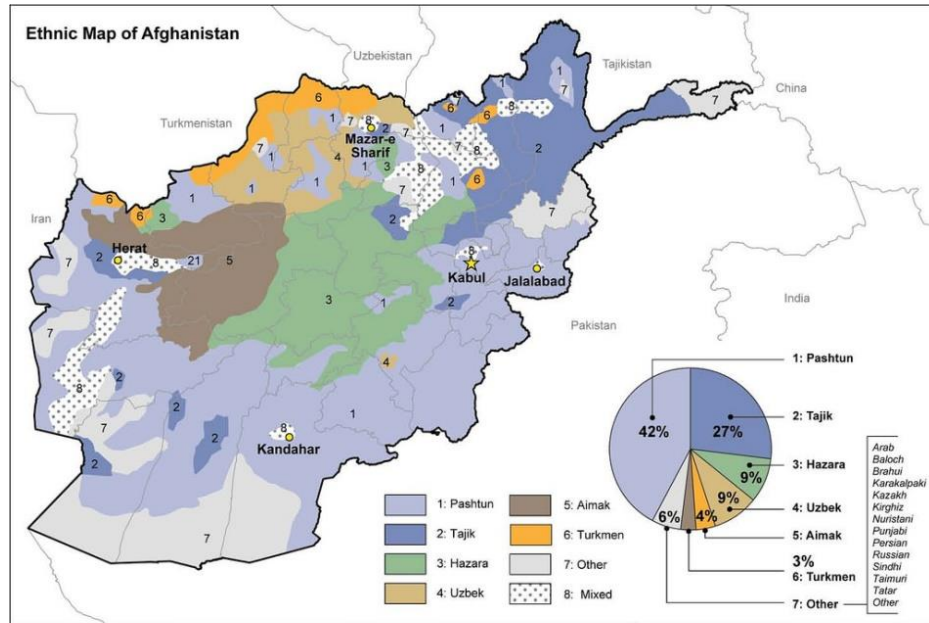
تخمین نفوس مطابق سرحدات سال 1810 (الفونستون)		تخمین نفوس سال 1810 مطابق سرحدات معاهده دیورند (خالدی)		اقوام
تعداد 1810	فیصدی 1810	تعداد 1810	فیصدی 1810	
4,300,000	31.2%	2,150,000	43.7%	پشتونها
1,000,000	7.2%	125,000	2.5%	بلوچها
1,200,000	8.7%	1,200,000	24.4%	تارتارها (تمام اقوام ترک‌تبار بشمول هزاره ها)
1,300,000	9.4%	1,300,000	26.4%	فارسیها (بشمول تاجیکها)
5,700,000	41.3%	-	0.0%	هنديها (کشميریها، جتها، متفرقه...)
300,000	2.2%	150,000	3.0%	اقوام متفرقه
13,800,000	100.0%	4,925,000	100.0%	مجموع

باتوجه به آنکه در سرشماری سال 1979 مجموع نفوس کشور را 14.5 میلیون نفر تخمین گردید (مسکون 13 میلیون، کوچی 1.5 میلیون) تعداد تخمینی نفوس در سال 1810م مطابق جدول فوق که بالغ بر 4.9 میلیون نفر را نشان میدهد یک تخمین قابل دقت و قریب به یقین معلوم میگردد. بر اساس این سنجشها در فاصله 169 سال که از سفر الفونستون میگذرد میزان متوسط رشد سالانه نفوس در حدود 0.67% (فیصد) بوده است. این میزان با نرخ متوسط رشد نفوس 0.4% هندوستان در سالهای 1870 تا سال 1920 که 0.4 فیصد که تا اواخر عصر استعمار از 1.3% بیشتر نگردید (مقایسه تاریخ هندوستان و اندونیزیا. مجموعه مقالات، بلوسه و ان بوت، نیویارک 1978، ص 2) قابل مقایسه است.

در سالهای اخیر موسسات بین المللی نقشه های ترکیب نفوس قومی کشور را نشر کرده اند. از آن جمله نقشه ۲ ترکیب قومی نفوس افغانستان و توزیع جغرافیایی اقوام توسط اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا نشر شده است.

بر اساس تخمینهای فوق اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا ترکیب قومی نفوس افغانستان از قرار آتی میباشد: پشتون 42 فیصد، تاجیک 27 فیصد، هزاره 9 فیصد، ازبک ۹ فیصد، ایماق 4 فیصد، ترکمن 3 فیصد، و سایر اقوام جمعاً 7 فیصد نفوس افغانستان را تشکیل میدهند.

نقشه ۲: ترکیب قومی نفوس افغانستان و توزیع جغرافیایی اقوام توسط اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا



Source: GAO analysis of Central Intelligence Agency and National Geospatial-Intelligence Agency data; National Geospatial-Intelligence Agency and Map Resources (maps).

در جدول آتی تخمینهای نفوس اقوام افغانستان از منابع مختلف تقدیم میگردد:

تخمین فیصدی های ترکیب قومی نفوس افغانستان توسط مولفین و منابع مختلف						
مجموع (فیصد)	سائر	ازبک	هزاره	تاجک	پشتون	منبع
100	10	6	9	12.4	62.73	یک سروی و تحقیق شش ساله بنیاد واک ناروی 1999
100	4	3	3	30	60	مکس کلومبرگ افغانستان 1960
100	9.9	6	9	12.4	62.7	تولد مجدد مبدأ طلبان، افغانستان و طالبان لندن 1998
100	10	5	5	20	60	وليام میلی
100	11.4	8.6	8.6	18.6	52.8	محمد محبوب و ف یآوری جغرافیای دنیا چاپ پنجم ایران نفوس جهان 1981 اتحاد شوروی
100	20		20	60		پروفیسور سی آبروک افغانستان کابل 1955
100	40			60		پروفیسور اسلانووف زبان ملی افغانستان اتحاد شوروی 1964
100	11	6	9	12	62	محمد انعام واک سیستم فدرالی در افغانستان پاکستان 2000
100	13	8	8	21	50	شماره 42-43 جریده افغان ملت پاکستان 1995
100	1.9	8	2.7	28.7	58.7	عبدل احمد المیر تاریخ و ایجاد افغانستان لندن 1980
100	17			13	70	عبدل عظیم ولیان تاریخ و ایجاد افغانستان ایران 1987
100	30			20	50	علی اکبر جعفریان مجله سخن
100	16	7	6	25	46	لوی دوبری افغانستان 1973 امریکا
100	12	6	19	25	38	ورلد الماناک افغانستان 1997 امریکا
100	100				55-65	مکیتری زنانهای بزرگ دنیا 1987
100	14	8	10	23	45	انتونی افغانستان
100	9	9	13	27	42	FACTBOOK CIA
100	6.7	10	11.6	16.3	55.4	انتخابات ۲۰۰۴ ریاست جمهوری*
100	5.7	12	12.2	26.4	43.7	دوکتور نوراحمد خالدی اکدمیا، 2016

\* حامد کرزی (پشتون) ۵۵.۴٪ یونس قانونی (تاجک) ۱۶.۳٪ محمد محقق (هزاره) ۱۲.۲٪ رشید دوستم (ازبک) ۱۲.۰٪

در نتیجه با استفاده از منابع مختلف ترکیب قومی نفوس افغانستان را میتوان بادر نظر داشت احصائیه رسمی تخمین نفوس در سال (۱۳۹۷) 2017/2018 م در جدول زیر ذیل خلاصه نمود:

تخمین تعداد و فیصدی نفوس افغانستان به تفکیک اقوام کشور		
اقوام	فیصدی نفوس	تعداد نفوس 1397
پشتون	43.7	13,809,200
تاجک	26.4	8,342,400
هزاره	12.0	3,792,000
ازبک	9.0	2,844,000
ترکمن	3.0	948,000
بلوچ	2.5	790,000
سائر اقوام	3.4	1,074,400
<b>مجموع نفوس</b>	<b>100.0</b>	<b>31,600,000</b>
منبع: ترکیب قومی از دوکتور نوراحمد خالدی		
منبع: تعداد مجموع نفوس افغانستان از اداره مرکزی احصائیه.		

### ترکیب زبانی نفوس

خوشبختانه در مورد ترکیب زبانی نفوس کشور معلومات احصاییوی دست اول موجود است. در سرشماری سال ۱۳۵۸ زبان تکلم خانوار از مردم پرسیده شد. بآنکه ارقام حاصله از این سوال نشر نشد اما این معلومات در اداره مرکزی احصاییه موجود است. این اداره به همکاری صندوق ملل متحد برای نفوس یو ان اف پی ای UNFPA در جریان اجرای امور مقدماتی برای اجرای سرشماری آینده افغانستان در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ به جمع آوری فهرست خانوارها در تمام دهات و قریه جات کشور مبادرت ورزید و در جریان آن به جمع آوری یک سلسله معلومات کلی راجع به تعداد مجموعی نفوس خانوارها، زبان روزمره محاوره خانوارها، موجودیت مراکز صحتی، مکاتب، راهها، پیداوار عمده و غیره ۳۵ بیش از ۳۸ هزار قریه کشور در تمام ولایات مبادرت ورزید. نتایج این عملیات در یک نشریه مشترک از جانب اداره مرکزی احصاییه و اداره ملل متحد در کابل تحت عنوان "معلومات دموگرافیکی نفوس افغانستان سالهای 2003-2005" بزبان انگلیسی به نشر رسید.

این معلومات نشان میدهد که در دهات افغانستان کمی بیشتر از ۹ میلیون نفر بزبان پشتو صحبت میکنند، کمی بیشتر از 7 میلیون نفر بزبان دری، 1.3 میلیون نفر بزبان ازبکی، ۳۲۹ هزار نفر بزبان ترکمنی، ۹۷ هزار نفر بزبان بلوچی، ۲۴۹ هزار نفر بزبان پشهه، 127 هزار نفر بزبان نورستانی، و 153 هزار نفر به سایر زبانها صحبت میکنند. 146 هزار نفر در این مورد معلومات نداده بودند. باید توجه داشت که زبان هزاره گی در جدول فوق شامل زبان دری میباشد.

معلومات در مورد زبانهای محاوره خانوارها را نباید معرف اقوام کشور دانست. در طول صدها سال جابجایی اقوام و خانوارهای کشور در مناطق مختلفه دور از محل سکونت تاریخی قومی آنها افراد و خانوارهای مربوط به اقوام مختلف زبانهای معمول منطقه جدید زندگی خود را به حیث زبان معمول محاوره فامیلی قبول کرده و حتی یکتعداد زبانهای اصلی قومی خود را فراموش کرده اند. در این زمره میتوان از هزاره های افغانستان نام برد که امروزه زبان دری البته با لهجه مشخص هزاره گی حرف میزنند، از اقوام نورزایی، ابدالی در هرات یاد کرد که بزبان دری صحبت میکنند،



از اقوام بارکزیایی، محمدزایی، سدوزایی و غیره در کابل یاد کرد که بزبان دری تکلم میکنند. همچنین هزاران خانوار از اقوام پشتون ننگرهار، لغمان، کنرهار، نورستان، پکتیا، پکتیکا، لوگر، وردک و غیره در شهر کابل زندگی میکنند که امروز نظر به ازدواجهای میان قومی در منازل خود بزبان معول شهر کابل که دری است مکالمه میکنند.

### سرشماری نفوس در افغانستان

اولین و آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) به کمک ملل متحد در افغانستان انجام شد. برخلاف گفته های بعضیها (از جمله امین فرهنگ وزیر اقتصاد در سال ۲۰۰۴) این سرشماری یک عمل نمایشی نبوده بلکه تهیه مقدمات آن سه سال را در بر گرفت بشمول نقشه کشی تمام دهات و شهرهای کشور، نمبر گذاری تمام دروازه ها و فهرست کردن تمام خانوارها در عقب این دروازه ها و فهرست برداری خیمه های کوچیها و تثبیت مسیر حرکت آنها.

اصل سرشماری بیست روز را در سال ۱۳۵۸ در بر گرفت و بیش از دو میلیون پرسشنامه خانوارها را بیش از ده هزار سرشماران با انجام مصاحبه با بزرگان هر خانوار در تمام مناطق امن کشور تکمیل کردند.

در مناطق صعب العبور کوهستانی و محلات بسیار نا امن، معمولاً دور افتاده، سرشماری انجام نشد. بر همین اساس چون کوچیها معمولاً در همچو مناطق زندگی میکنند، احتوای کامل نشدند. اما برای تخمین نفوس این مناطق از فهرستهای خانوارها که در مراحل مقدماتی سرشماری تکمیل شده بودند و میزان رشد نفوس استفاده شد.

متعاقباً معلومات شامل پرسشنامه ها اذخال کمپیوتری شده و بعد از پراسس تمام پرسشنامه ها، نتایج مقدماتی آن در سال ۱۹۸۰ م و نتایج نهایی در سال ۱۹۸۳ از طرف اداره مرکزی احصاییه، وقتی که من مدیر عمومی سرشماری نفوس و سرویهای دموگرافیکی بودم نشر گردیدند.

از سال ۱۳۵۸ به اینطرف سرشماری تازه در کشور انجام نیافته است. با وجودیکه بعد از کنفرانس بن و ایجاد دولت جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۱م تطبیق پروژه سرشماری در دستور کار دولت جدید قرار گرفته و برای تطبیق آن اقدامات جدی و گسترده به کمک صندوق نفوس ملل متحد از طرف اداره مرکزی احصاییه انجام پذیرفت، اما بنابر وخامت اوضاع امنیتی تا امروز دولتها قادر به انجام این پروژه نشده اند. هر کودکی میدانند برای سرشماری موجودیت امنیت اهمیت درجه اول دارد. کدام رهبر سیاسی میتواند جان بیش از سی هزار سرشمار (معمولاً معلمین مکاتب) را به خطر انداخته آنها را به دهات و قریه جات اعزام کند؟ حتی در سال ۱۳۵۸ که به مقایسه سالهای اخیر امنیت نسبی در کشور موجود بود تعدادی از کارمندان اداره مرکزی احصاییه جانهای خود را از دست دادند.

بعضیها از روی بیدانسی میگویند دولتهای افغانستان سرشماری را انجام نمیدهند چون مقامات نمیخواستند نفوس اقوام کشور معلوم گردد! منظور اولی از اجرای سرشماری معلوم کردن نفوس اقوام نیست. در هیچ قانون اساسی کشور در هیچ زمانی اقوام کشور دارای امتیازات خاصی نبوده اند تا دانستن تعداد هر قوم برای پالیسیهای دولتها اهمیت خاصی داشته باشد. همه مردم افغانستان در برابر قانون حقوق، امتیازات و مسولیتهای مساوی دارند. در سرشماری سال ۱۳۵۸ با آنکه سوال قوم در آغاز شامل پرسشنامه شده بود اما با آغاز سرشماری دولت تصمیم گرفت برای جلوگیری از اخلال عملیات سرشماری و جلوگیری از خطر زیر سوال بردن صحت ارقام جمع آوری شده در آینده، سوال مربوط به اقوام افراد را حذف نماید. بنابر این تصمیم از قوم و ملیت مردم سوال نشد.

واقعیت این است که سیاستمداران ما، طوریکه نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ نشان داد، توان پذیرش و هضم نتایج سرشماریها و انتخابات را ندارد. بطور مثال دولتهای مجاهدین و دولت جمهوری اسلامی بعد از کنفرانس بن در نشرات

خود از روی تعصب سیاسی یا از انجام سرشماری نفوس سال ۱۳۵۸ که در زمان حفیظ اله امین اجرا شد انکار میکنند، یا نادیده میگیرند و یا آنرا کم اهمیت جلوه میدهند. حتی سرپرست موجوده اداره مرکزی احصاییه یا از روی نادانی یا از روی اجبار و تعصب سیاسی میگوید سرشماری در سال ۱۳۵۸ شروع شد اما تکمیل نگردید! در حالیکه میدانیم سرشماری مذکور با مصرف ملیونها دالر از شروع کارهای مقدماتی کارتوگرافیکی، نمبر زدن دروازه ها و فهرست برداری خانوارها تا اجرای عملیات ساحه، پراسس ارقام کمپیوتری، تحلیل و ارزیابی نتایج، تهیه راپورها و تکمیل و نشر ارقام در حدود پنج سال را در بر گرفته و تکمیل گردید.

خوشبختانه در نتایج نشر شده سرشماری مذکور چیزی وجود ندارد تا صحت ارقام آنرا بنابر ملحوظات قومی، زبانی و سیاسی خدشه دار سازد. جالب این است که، با وجود کم بها دادن به سرشماری سال ۱۳۵۸، تمام تخمینهای سالانه مابعد نفوس افغانستان در طی ۳۶ سال گذشته، که مورد استفاده دولت و موسسات میباشند همه عمدتاً برپایه نتایج اولین سرشماری نفوس کشور در سال ۱۳۵۸ و بعضی سرویها، و تخمینهای محلی بعدی نفوس استوار اند.

طوریکه نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ نشان داد، سیاستمداران ما توان پذیرش و هضم ارقام و اعداد بدست آمده از نفوس کشور را از نتیجه عملیات ساحه که مطابق به برداشتهای خاص خودشان نباشد، ندارند. از این لحاظ نباید در سرشماری آینده از قوم و ملیت مردم سوال کرد. با اطمینان میتوانم بگویم که اگر دولت موفق به اجرای یک سرشماری نفوس در آینده گردد و از مردم در مورد قومیت آنها سوال گردد کسانیکه خود را در اقلیت مییابند نتایج سرشماری را قبول نخواهند کرد و با تحت سوال بردن نتایج یک سوال، تمام نتایج سرشماری مورد سوال قرار خواهد گرفت.

عملیات سرشماری از مقدمات تا اجرا، پراسس ارقام، تحلیل و ارزیابی و نشر نتایج بسیار پر مصرف، زمانگیر، تخنیک، مسلکی میباشند. بطور مثال بآنکه استرالیا در هر پنج سال سرشماری میکند، با آنهم از سه سال به اینطرف مقدمات سرشماری ماه اگست سال جاری ۲۰۱۶ آن جریان دارد و نشر نتایج کامل آن سه سال بعدی را در بر خواهد گرفت. قرار است اینجانب به حیث منجر ساحه در ایالت کوینزلند در عملیات سرشماری سهم بگیرم.

افغانستان توان آنرا ندارد تا با شمول کردن سوال قومیت تمام نتایج یک سرشماری خود را مورد سوال قرار داده مصارف گزاف آنرا به هدر دهد. برای دانستن احصاییه های نفوس بر اساس قومیت راههای دیگری موجود است که ارقام سرشماری های نفوس میتوانند امکانات آنرا میسر سازند.

نتایج سرشماری سال ۱۳۵۸ افغانستان را بنده در نشریه آتی مورد ارزیابی قرار داده ام که در سال ۱۹۸۹ از طرف پوهنتون ملی استرالیا نشر شده است.

### آیا اجرای سرشماری نفوس در افغانستان در شرایط فعلی عملی است؟

محمد امین فرهنگ در مصاحبه با تلویزیون ای تی ان ادعا کرده بود که حکومت کرزی (خودش در آنزمان وزیر بوده) و دولت فعلی بخاطر اغراض قومی سرشماری نفوس را نخواستند و نمیخواهند اجرا گردد. صاف و پوست کنده این سخنان پوچ و بی معنی از طرف افراد غیر مسلکی است که از سرشماری و مغلق بودن آن بویی نبرده اند. اجرای سرشماری بزرگترین عملیات ساحه در کشور است که هر دروازه در کشور باید باز شود و از خانوار های عقب دروازه یک پرسشنامه که حد اقل نیم ساعت را در بر میگیرد تکمیل گردد. در کشوری که ۴۵،۰۰۰ قریه دهاتی و هزاران ناحیه شهری وجود دارد این عملیات به حد اقل ۲۰،۰۰۰ سرشمار و ۵،۰۰۰ کنترولر ساحه نیاز دارد تا در مدت

حد اقل یک ماه این عملیات را تکمیل کنند. در کشوری که در بیش از مناصف قریه جات آن امنیت سرشماران را دولت تضمین کرده نمیتواند چگونه کسی و یا مقامی جرات کند تا جان هزاران سرشمار را به خطر انداخته آنها را به مناطق دور افتاده و پر خطر اعزام نمایند. سرشماری پلان شده سال 2008 بنابر نبودن فضای لازم امنیتی از طرف ملل متحد و دولت افغانستان به تعویق افتاد. این مشکلات امروز هم وجود دارد. من شخصاً در عمل مشکلات انجام سرشماری را تجربه کرده ام. من متخصص امور نفوس هستم و به همین صفت در چندین سرشماری استرالیا و همچنان کشور مایکرونیشیا سهم گرفته ام. در عملیات اولین و آخرین سرشماری سال 1979 افغانستان به حیث ماستر ترینر سهم گرفته و به حیث مدیر عمومی سرشماری نفوس نتایج آنرا تحلیل، ارزیابی و نشر کرده ام. در سال 1979 در زمان حفیظ اله امین تازه چنگهای مجاهدین شروع شده بود و امنیت در مناطق دور افتاده کشور به خرابی امروز نبود. با آنهم در آن سرشماری صدها سرشمار و کارمند اداره مرکزی احصاییه جانهای خود را باختند. بطور مثال من برای ارزیابی آمادگی ولایات نیمروز، فراه، هرات و بادغیس 20 روز قبل از آغاز عملیات ساحه به این ولایات سفر کردم. باوجود اطمینانهای زیاد والیها و قوماندانهای نظامی هنوز به کابل برگشته بودم که خبر کشته شدن مرحوم آقای راد مدیر احصاییه ولایت بادغیس و همکاران او برای ما رسید. به تعقیب آن در اثر حمله مجاهدین به دفتر سرشماری لوگر تمام همکاران دفتر مذکور بشول مدیر آن که از همصنفی های زمان پوهنحی اقتصاد پوهنتون کابل من بود جانهای خود را باختند.

در اثر خرابی اوضاع امنیتی در 35 فیصد ساحات کشور سرشماری صورت گرفته نتوانست. حالا چطور یک عده آمه های بی خبر و غیر مسلکی با ادعاهای منافقانه که رنگ قوم پرستی و تعصب در آنها موج میزند میخواهند اذهان عامه را مغشوش بسازند و رهبران پشتون تبار را متهم کنند.

جای شرم است که تعدادی میخواهند هر موضوعی را رنگ قومی و نژادی بدهند.

### تخمین های تازه نفوس افغانستان

اخیرا معلومات غلط و نادرست توسط طلوع نیوز نشر شده که گویا با استفاده از تخنیک ریموت سنسنگ میتوان در وقت کم و با هزینه اندک، روند سرشماری نفوس را در کشور عملی کرد.

بنده متخصص امور نفوس بوده و در این رشته دکترا دارم. همچنان در سالهای 1982-1984 مدیر عمومی سرشماری نفوس در اداره مرکزی احصاییه افغانستان وظیفه اجرا کرده ام. اگر در مورد نفوس افغانستان به دنبال حقیقت هستید به این توضیحات مسلکی توجه کنید.

1. اداره مرکزی احصاییه کدام سرشماری جدید نفوس را اجرا نکرده و قرار نیست اجرا کند بلکه بر اساس نوشته ویسات خودشان "مادل که در نتیجه تجدید روش برای برآورد نفوس در نظر گرفته شده است با بکاربرد ارقام موجود سرشماری نفوس سال 1358، فهرست برداری خانوار سال های 1383-85 کشور و همچنان سروی اقتصادی-اجتماعی و دموگرافیکی که در 13 ولایت کشور از طرف این اداره تطبیق گردیده، و همچنان عکس های ماهواره ای که بدین منظور از طرف نهاد های مختلف دولتی و غیر حکومتی بدسترس این اداره قرار داده شده و به نهاد فلومایندر شریک ساخته شده، صورت گرفته است."

2. یعنی با استفاده از چهار منبع بشمول تخنیکهای ریموت سنسنگ اداره مرکزی احصاییه به کمک صندوق نفوس ملل متحد و موسسه فلومایندرز نفوس کشور را با یک مدل نو تخمین میکنند نه از طریق سرشماری که یک عملیات ساحوی وسیع پر مصرف (250 ملیون دالر امریکایی) است و در شرایط موجود امنیتی قابل اجرا نیست. بنا به اظهارات احمد جاوید رسولی، رییس عمومی اداره مرکزی احصاییه: "ما این شیوه را از سال ۲۰۱۶ آغاز کردیم که بر بنیاد آن توانستیم اکنون نتایج بهتری را دریابیم. در برآورد نفوس و قراری که اطلاعات به دست آوردیم این شیوه تا ۹۵ درصد ارقام دقیق را به دست می‌دهد" (ذبیح‌الله جهانمل ۶ قوس ۱۳۹۶ طلوع نیوز).

3. اما آنچه طلوع نیوز در ادامه مینویسد که: "با این همه، مزیت‌هایی که نرم افزار ریموت سنسنگ دارد، این است که می‌شود با آن در وقت کم و با هزینه اندک، روند سرشماری نفوس در کشور را عملی کرد." کاملاً نادرست بوده و گمراه کننده است. اول اینکه ریموت سنسنگ کدام "نرم افزار" یا سافت ویر کمپیوتری نیست بلکه یک سلسله تخنیکهای احصاییوی از طریق عکسبرداریهای فضایی است که تغییرات مسکونی، زراعتی، و فزیک را در دهات و شهرها در فاصله های زمانی مختلف ثبت میکنند. دوم آنکه از این تخنیک در بهبود نتایج سرشماریها در جاهاییکه عملی است و بهبود تخمینهای نفوس در جاهاییکه سرشماری عملی نیست استفاده میشود. بنابر آن ریموت سنسنگ بر خلاف نوشته طلوع نیوز نمیتواند جای سرشماری را گرفته و نمیتوان با استفاده از آن در وقت کم و با مصارف اندک روند سرشماری نفوس را در کشور عملی کرد.

4. صندوق نفوس ملل متحد قرار است در دور سرشماریهای سال 2020 که در بسیای کشورهای رو به انکشاف تطبیق میگردد با استفاده از تخنیک ریموت سنسنگ از طریق عکسبرداریهای فضایی که تغییرات مسکونی، زراعتی، و فزیک را در دهات و شهرها در فاصله های زمانی مختلف ثبت میکنند بر علاوه جمع آوری ارقام نفوس ساحه با اجرای سرشماریها در بهبود نتایج سرشماریها کمک کند. از این تخنیک در تخمینهای تازه نفوس افغانستان به همکاری موسسه فلومایندرز نیز استفاده شده است.

5. باید توجه داشت که از سال 1386 (2005) به اینطرف نظر به حکم قانون اساسی همه ساله اداره مرکزی احصاییه تخمین سالانه نفوس را بر اساس دو منبع اول سرشماری سال ۱۳۵۸ و دوم فهرست برداری خانوار سال های 1383-85 کشور انجام داده و بدسترس حکومت قرار میدهد.

6. . . طوریکه در نوشته اداره مرکزی احصاییه تذکر بعمل آمده اولین (و آخرین) سرشماری در سال 1358(1979م) وقتیکه حفیظ الله امین در قدرت بود اجرا شد اما کارهای مقدماتی آن در زمان داوود خان تکمیل شده بود. در زمان داوود خان تمام امور مقدماتی سرشماری بشمول نمر زدن دروازه ها و فهرست برداری خانوارها در جریان سه سال تکمیل گردید و قرار بود که سرشماری بر اساس تقسیم اوقات زمانی پلان شده در سرطان سال ۱۳۵۷ اجرا گردد اما با کودتای ثور ۱۳۵۷ این پلان برای یکسال به تعوق افتاد. در سرشماری سال ۱۳۵۸ در حدود ۶۵ فیصد ساحه کشور احتوا شد و معلومات در مورد ۳۵ فیصد بقیه از فهرست های خانوار دور مقدماتی و رشد طبیعی نفوس به آن اضافه گردید. از سال ۲۰۰۱ تا امروز دوبار کوشش شد تا سرشماری صورت بگیرد اما نظر به خرابی اوضاع امنیتی این پروژه به تعویق افتاد. در این مدت فهرست برداری خانوارها در سال های 1383-85 که امنیت نسبی موجود بود انجام داده شد.

7. در عوض اداره مرکزی احصاییه به کمک ملل متحد پروژه تدریجی سروی اقتصادی- اجتماعی و دموگرافیکی ولایات را از سال ۲۰۱۱ به اینطرف روی اجرا گرفت که تا کنون در 13 ولایت کشور از طرف این اداره تطبیق گردیده است. در این سروی سوالهای مربوط به زبان و قومیت افراد شامل نمیشدند تا باحساسیت هائیکه در این دو موضوع موجود است نتایج این پروژه بزرگ ملی طرف سوال قرار نگیرد.

8. سرشماریها در دنیا نظر به مصارف هنگفت آن هر ده سال اجرا میشود این تنها آسترالیاست که با منابع هنگفت خود قادر است هر پنج سال اجرا کند. هیچ سیستم تذکره و تصدیق تولد جای سرشماری را گرفته نمیتواند. از روی تذکره نمیتوان نفوس را در یک روز و ماه معین تعیین کرد. تولدات، وفیات و مهاجرت بالای آن تأثیر دارد. سرشماریها در تمام کشورهای اروپایی و دنیا هرده سال اجرا میشود. در آسترالیا که کاملترین سیستم تصدیق تولدات و وفیات را دارد باز هم سرشماری در هر پنجسال تطبیق میگردد و مانند آن است که عکس نفوس کشور را در یک روز معین میگیرد.

اداره مرکزی احصاییه مصارف یک سرشماری را در افغانستان اگر شرایط امنیتی اجازه دهد در حدود ۲۵۰ میلیون دالر امریکایی تخمین کرده است. من به تازه گی بر اساس یک قرارداد پیشبینی نفوس مردمان اولیه یا ابورجنی های آسترالیا را بر اساس نتایج سرشماری سال 2016 برای بیست سال آینده برای استفاده وزارت امور اجتماعی و مسکن ایالت نیو ساوت ولز تمام کردم.